

## The Effects of Good Governance and Political Cycles on the Changes of Liquidity and Budget Deficit in Iranian Economy

Behrouz Sadeghi Amroabadi\* 

Assistant Professor of Economics,  
Shahid Chamran University of Ahvaz,  
Ahvaz, Iran

Ehsan Kazemi 

Assistant Professor of Political Science,  
Shahid Chamran University of Ahvaz,  
Ahvaz, Iran

### Abstract

Improving the quality of institutions with development of the country's economic infrastructure can reduce the degree of fiscal policy cycles in developing countries. Therefore, the purpose of this study is to analyze the effects of good governance and political cycles on the liquidity and budget deficit changes during 1978-2018. The research method is descriptive analytical by using econometric method of the GMM. Data are from the Central Bank of Iran and World Bank site for Iranian Economy. The research results show the effect of good governance on the variables of liquidity and budget deficit changes are negative and significant. Also the interactive effects of good governance and the election dummy variables on the liquidity and budget deficit changes are negative and significant. These results indicate that good governance during the elections can control the budget deficit and liquidity changes, hence to control the business-political cycles, suggest to improve the good governance in Iran.

**Keywords:** Business-Political Cycles, Liquidity, Budget Deficit, Good Governance, Iranian Economy.


**JEL Classification:** G32, P16, D72.


---

\* Corresponding Author: [B.sadeghi@scu.ac.ir](mailto:B.sadeghi@scu.ac.ir)

**How to Cite:** Sadeghi Amroabadi, B., Kazemi, E. (2022). The Effects of Good Governance and Political Cycles on the Changes of Liquidity and Budget Deficit in Iranian Economy. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (90), 171-207.

## تحلیل اثر حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه در ایران

بهرروز صادقی عمروآبادی \*  استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

احسان کاظمی  استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

### چکیده

بهبود کیفیت نهادها در کنار توسعه زیرساخت‌های توسعه اقتصادی کشور، می‌تواند ترکیبی بهینه برای کاهش درجه موافق چرخه‌ای بودن سیاست اقتصادی در کشورهای در حال توسعه فراهم آورد. هدف این پژوهش تحلیل اثر حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۵۷ است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM است. داده‌ها نیز از سایت‌های بانک مرکزی و بانک جهانی برای اقتصاد ایران اخذ شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر حکمرانی خوب بر متغیر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه منفی و معنادار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد اثرات ضریبی (تعاملی) شاخص حکمرانی خوب و متغیرهای مجازی انتخابات بر متغیرهای وابسته تغییرات نقدینگی و کسری بودجه منفی و معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد با یک حکمرانی خوب می‌توان تغییرات کسری بودجه و نقدینگی ناشی از چرخه‌های سیاسی را در اقتصاد ایران کنترل کرد؛ بنابراین، پیشنهاد به تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب در جهت کنترل چرخه‌های تجاری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: چرخه تجاری- سیاسی، نقدینگی، کسری بودجه، حکمرانی خوب، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL: G32, P16, D72

## ۱. مقدمه

ادبیات تحقیق در طول چند دهه اخیر در زمینه اثر متغیرهای غیراقتصادی بر حوزه سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین این موضوعات، بررسی و تحلیل اثر انتخابات به‌عنوان یک شاخص سیاسی بر متغیرهای اقتصادی است و رابطه اقتصاد و سیاست را دوباره تقویت کرده و در ادبیات اقتصادی با عنوان چرخه‌های تجاری-سیاسی از آن نام برده می‌شود. این ادبیات در قالب موضوع چرخه‌های تجاری-سیاسی بیان می‌شوند و در متون اقتصادی از آن به چرخه‌های انتخاباتی و در ادبیات بخش عمومی جای می‌گیرد. رویکرد کلی مطرح، این است که احزاب و گروه‌ها با هدف تصاحب قدرت پا به میدان انتخابات می‌گذارند و در انتخابات، گروه‌ها و احزاب مختلف برای تصاحب قدرت یا باقی ماندن در آن به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. در این بین، هر کدام از آن‌ها به دنبال ارائه سیاست‌هایی هستند که لزوماً منافع بلندمدت اقتصادی جامعه را دنبال نمی‌کند، اما علاوه بر جذاب بودن برای بیشتر افراد جامعه، بتواند آرای بیشتری را برای آن‌ها جذب کند. در واقع در این وضعیت، بهترین روش به لحاظ سیاست‌گذاری و جذب رای، ترکیب کردن اقدامات ساختاری و ارائه دستاوردهای اقتصادی کوتاه‌مدت است. به بیان دیگر، جامعه درگیر خطای دیدن اثرات کوتاه‌مدت و عدم توجه به اثرات بلندمدت خواهد شد؛ زیرا تاثیرگذاری بر تمایلات رای‌دهندگان و تشویق آن‌ها به شرکت در انتخابات از طریق مشوق‌های کوتاه‌مدت اقتصادی، بخش وسیع تری از جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و محدوده تاثیرگذاری اجتماعی آن را افزایش می‌دهد. در واقع احزاب و جناح‌های سیاسی قصد دارند با محرک‌های اقتصادی، سطح مشارکت و تمایل رای‌دهندگان را تحت تاثیر قرار دهند. این موارد می‌تواند در بلندمدت اثرات مخرب اقتصادی به همراه داشته باشد.

بسیاری از اقتصاددانان از جمله هیبز<sup>۱</sup> (۱۹۷۷)، امرگوت<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) و پوترافکه<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) به این موضوع توجه می‌کنند که توجه احزاب سیاسی به متغیرهای اقتصادی در زمان انتخابات، تاثیر بسزایی در کسب آرا و نتایج انتخاباتی داشته است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

---

1. Hibbs, D.  
2. Immergut, E.M.  
3. Potrafke, N.

برای مثال اعمال سیاست مالی موافق چرخه‌ای با آسیب‌رسانی به رفاه جامعه، زمینه افزایش نوسانات کلان اقتصادی را فراهم کرده و کاهش سرمایه‌گذاری حقیقی را به دنبال دارد. در واقع افزایش نقدینگی و سیاست‌های موافق چرخه می‌تواند در کوتاه‌مدت اثرات محرک اقتصادی و جذاب عمومی داشته باشد، اما در بلندمدت اثرات مخرب تورمی به همراه داشته باشد (صادقی و طیبی، ۱۳۹۷)؛ به طوری که پیاده‌سازی این گونه سیاست‌ها می‌تواند رشد اقتصادی را کند و زمینه افزایش کسری بودجه و بدهی‌های دولت را فراهم آورد. بنابراین، سیاست‌گذاری مالی می‌تواند با اعمال سیاست‌های مالی پادچرخه‌ای یا مخالف چرخه‌ای در ایجاد ثبات بلندمدت اقتصادی نقش بسزایی داشته باشد. به کارگیری سیاست مالی پادچرخه‌ای در کشورهای تولیدکننده نفت از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا در کشورهای نفتی، موافق چرخه‌ای بودن سیاست مالی منبعی برای تشدید بی‌ثباتی شناخته می‌شود. این مساله ناطمینانی در اقتصاد را افزایش و زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. همچنین بسیاری از کشورهای نفتی، دارای نظام ارزی میخکوب یا شناور مدیریت شده هستند، از این رو، توانایی آن‌ها در اعمال سیاست پولی مستقل تا حدود زیادی محدود شده و سیاست مالی به طور بالقوه بیشترین تاثیر بر اقتصاد را خواهد داشت.

در مطالعات مختلف، محققین به این نتایج دست یافته‌اند که متغیرهایی همچون درجه دموکراسی و ثبات سیاسی، کیفیت نهادها، کارایی و اندازه دولت، تلاطم تولید و عدم دسترسی کشورهای در حال توسعه به بازارهای اعتبار جهانی در زمان رکود، می‌توانند بر چرخه‌ها موثر باشند (Barberia & Avelino, 2011; Castro & Martins, 2018; Doytch, 2021). در کشورهای نفتی با درآمد پایین و متوسط، عواملی همچون کیفیت نهادها و ساختار سیاسی نیز در اتخاذ سیاست مالی چرخه‌ای از اهمیت بالاتری برخوردارند. در این بین سوال اصلی آن است که آیا حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه در ایران تاثیر گذار است؟

مقاله حاضر در ۶ بخش تدوین شده است؛ بخش اول به بیان مقدمه، اهمیت و ضرورت تحقیق اختصاص یافته است. در بخش دوم مبانی نظری چرخه‌های سیاسی و اثرات حکمرانی خوب بر آن پرداخته می‌شود، سپس برخی پژوهش‌های پیشین در بخش سوم مطرح می‌شود. بخش چهارم به معرفی روش و مدل تحقیق اختصاص می‌یابد. در بخش پنجم به برآورد

مدل‌های تحقیق و تحلیل نتایج پرداخته می‌شود. بخش ششم به بیان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

## ۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

### ۲-۱. چرخه‌های سیاسی و اقتصاد

برخلاف ادبیات کلاسیک اقتصاد سیاسی که سیاستمداران را پیامبرانی توصیف می‌کند که به دنبال حداکثرسازی منافع جامعه هستند، بنیانگذاران حوزه چرخه‌های انتخاباتی و تئوری انتخاب عمومی<sup>۱</sup> اعتقاد دارند انسان -چه به‌عنوان یک شهروند و چه وقتی که به‌عنوان سیاستمدار وارد عرصه قدرت می‌شود- در هر دو حالت تلاش می‌کند منفعت خود را حداکثر کند و تنها تفاوت مهم وجود اشکال بسیار پیچیده‌تر منفعت‌طلبی سیاستمداران است. بیش از ربع قرن از مطالعات مرتبط با سیکل‌های تجاری سیاسی می‌گذرد. تاکنون در این زمینه، مطالعات متنوعی توسط کرامر<sup>۲</sup> (۱۹۷۱)، آلسینا<sup>۳</sup> (۱۹۷۷-۱۹۷۸)، نوردهاوس<sup>۴</sup> (۱۹۷۵)، هیبز (۱۹۷۷) و مکرا<sup>۵</sup> (۱۹۷۷) صورت گرفته است (پورکاظمی و همکاران، ۱۳۸۶). هیبز (۱۹۷۷) نظریه تعصب حزبی را که در آن احزاب و کاندیداها دارای آرمان‌ها، اهداف و برنامه‌های اقتصادی متفاوت هستند، ارائه کرد. طبق این نگرش رای‌دهندگان بر مبنای آرمان‌ها، اهداف و برنامه‌های اقتصادی به کاندیداها یک حزب خاص رای می‌دهند. تعصب حزبی می‌تواند از اصول حزبی یا پیش‌پندارهای رای‌دهندگان ناشی شده باشد.

آلسینا (۱۹۸۷) نظریه تعصب حزبی عقلایی را ارائه کرده است. براساس این نظریه، تصمیم‌گیری مردم براساس عملکرد واقعی احزاب است و نه براساس برنامه‌ها و اصول حزبی. در این نظریه برای اینکه حزبی بتواند قدرت را در دست داشته باشد باید تغییرات قابل مشاهده ای را در متغیرهای اقتصادی ایجاد کند.

---

1. Public Choice Theory

2. Kramer, G.

3. Alesina, A.

4. Nordhaus, W.

5. Mcrae, D.

6. Tufte, E.R.

راف و سبیرت<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) در مطالعه جامع خود به بررسی الگوی سیکل‌های تجاری سیاسی با لحاظ کردن اطلاعات ناقص رای‌دهندگان قبل از انتخابات پرداختند.

دو رویکرد عمده در ادبیات سیکل‌های تجاری سیاسی وجود دارد؛ اولین رویکرد، مطالعاتی است که نگرشی انتقاداتی به ادبیات مرتبط با سیکل تجاری سیاسی دارند. دومین رویکرد مطالعات با عنوان مدل سیکل‌های سیاسی بودجه<sup>۲</sup> هستند و بر مبنای مدل سیکل‌های سیاسی بیان می‌شوند.

مدل‌های تنوریک سیکل‌های تجاری سیاسی با انتقادات زیادی مواجه بوده‌اند. از مهم‌ترین انتقادات این است که این مدل‌ها بر فرض رفتار شبه غیرعقلایی<sup>۳</sup> استوارند. انتقاد دیگر آن است که این مدل‌ها بر پذیرش فرض نیوکلاسیکی غافلگیری غیرمنتظره پولی<sup>۴</sup> مبتنی هستند. همچنین در بعد مطالعات تجربی می‌توان به مطالعات موثر کرامر (۱۹۷۱) در مورد رای‌گیری کنگره و بعد از آن مطالعات تافت (۱۹۷۵)، نوردهاوس (۱۹۷۵-۱۹۷۸)، فر<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) و... اشاره کرد.

در بین مطالعات صورت گرفته الگوی معروف نوردهاوس (۱۹۷۵) و لیچر<sup>۶</sup> (۱۹۷۸) به عنوان یک الگوی نظری مناسب برای ارزیابی سیکل‌های تجاری سیاسی شناخته می‌شوند. در برخی از مطالعات از رویکرد پارامتریک آماری و از توابع توزیع احتمال استفاده می‌شود و در برخی از مطالعات از الگوهای اقتصادسنجی و تصریح یک الگوی تجربی برای بررسی سیکل‌های تجاری استفاده می‌شود. دسته‌بندی‌های متعددی پیرامون سیکل‌های تجاری سیاسی<sup>۷</sup> وجود دارد که مهم‌ترین طبقه‌بندی صورت گرفته، رویکردهای اصلی در ادبیات سیکل‌های سیاسی را به دو شکل کلی طبقه‌بندی کرده‌اند:

الف- مدل فرصت‌طلبی: این رویکرد توسط نوردهاوس (۱۹۷۵) بیان شد و در ادبیات سیکل‌های تجاری به روش فرصت‌طلبی معروف است به فرآیندی گفته می‌شود که دولت و یا حزب حاکم تلاش می‌کند با دستکاری اقتصاد و تغییرات کوتاه‌مدت به فریب و یا ارضاء

- 
1. Rogoff, K. & Sibert, A.
  2. Political Budget Cycles
  3. Seemingly Irrational Behaviour
  4. Monetary Surprises
  5. Fair, R.
  6. Lächler, U.
  7. Political Business Cycles

کوتاه مدت رای دهندگان پردازند تا بتواند در انتخابات به قدرت برسد. در اینجا دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از سیاست‌های انبساطی پولی و مالی قبل از انتخابات، عملکرد کوتاه مدت موفق‌تری از خود به نمایش بگذارند. در این شرایط و با فرض عدم انتظارات عقلایی از سوی مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، این سیاست‌ها می‌توانند به افزایش فعالیت‌های اقتصادی کمک کنند و بدین ترتیب، شانس پیروزی در انتخابات افزایش پیدا کند. در واقع در این مدل‌ها، فرض می‌شود که رای دهندگان، حافظه تاریخی کوتاه مدتی دارند؛ بنابراین، رفتار اواخر دوره دولت‌ها تاثیر بیشتری نسبت به رفتار گذشته آن‌ها در تصمیم‌گیری رأی دهندگان دارد. به بیان دیگر، عوامل اقتصادی نوعی خطای دید دارند که اتفاقات نزدیک‌تر بیشتر بر ذهن آن‌ها مانده و اتفاقات دورتر کمتر بر تصمیمات آن‌ها موثر است و با گذشت زمان، تصمیمات اقتصادی گذشته دولت از مدل تصمیم‌گیری رای دهندگان حذف و یا کمرنگ شده و در مقابل تصمیمات اقتصادی حال دولت، متغیر اصلی در مدل تصمیم‌گیری رای دهندگان می‌شود.

ب- مدل حزبی: رویکرد دیگر در ادبیات سیکل‌های تجاری سیاسی متعلق به هیبز (۱۹۷۷) است که به مدل حزبی پارتیزانی<sup>۱</sup> معروف است. هیبز تلاش دارد با تفکیک دولتمردان به دو حزب راست و چپ به بررسی رفتار آن‌ها برای انتخابات مجدد پردازد. زیربنای این نظریه، تعصب حزبی است که مرزبندی‌های احزاب و گروه‌های سیاسی را براساس مانیفیست‌های مختلف حزبی مشخص می‌کند. در این مدل، رای دهندگان بر مبنای اهداف و برنامه‌های اقتصادی به کاندیداهای مورد نظر خود رأی می‌دهند. این برنامه‌ها، هم می‌تواند به صورت برنامه‌های مشخص و مدون بوده و هم، می‌تواند به صورت اهدافی نانوشته و تا حدودی مشخص باشد. وی معتقد است سیاستمداران رفتار فرصت طلبانه ندارند، بلکه براساس ترجیحات ایدئولوژیک، مسیر و سیاست‌های اقتصادی خود را ترسیم و دنبال می‌کنند. اصولاً دولت‌های راست به دنبال اعمال حداقل سیاست‌های انبساطی نسبت به دولت‌های چپ هستند. در حالی که دیدگاه هیبز به نوعی توأم با فرض رفتار غیرعقلایی است، آلسینا (۱۹۸۷) فرض انتظارات عقلایی را در مدل حزبی وارد کرد. البته هر دو تئوری حزبی آلسینا (۱۹۸۷) و هیبز (۱۹۷۷) تاکید کرده‌اند که حرکت‌های ایدئولوژیکی وجود دارند که می‌توانند متفاوت از رفتارهای دولت‌های راست و چپ در سیاست‌های پولی و مالی باشند. به عنوان

---

1. Partisan model

مثال، اجبارهایی که در حوزه تجارت خارجی به دلیل مسائل سیاسی، بلوک‌بندی‌های اقتصادی و مسائل ایدئولوژیک می‌تواند برای یک دولت وجود داشته باشد از جمله این رفتارها هستند. مانیفورد و پیل<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) سیکل‌های سیاسی را در راستای وابستگی‌های شدید اقتصادی و سیاسی می‌دانند که با اتکا به روش‌های مختلفی همچون توابع عکس‌العمل، رای‌دهندگان میانه، مدل‌های رفتاری بوروکراسی و مدل‌های اقتصادی و سیاسی به کار گرفته شده‌اند. در این زمینه، آرای متعددی وجود دارد که به بررسی این ارتباط می‌پردازد. از این رو، برخی از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که دولت به طور عمده به شکلی اقتصاد را درگیر سیکل تجاری می‌کند که در زمان برگزاری انتخابات براساس رجحان رای‌دهندگان در بهترین موقعیت ممکنه باشند. بنابراین، دولت‌ها در ابتدای کار ابتدا سیاست‌های انقباضی در جهت کنترل تورم را اعمال می‌کنند که به افزایش بیکاری منجر می‌شود و سپس در سال‌های پایانی حکومت‌ها با اعمال سیاست‌های انبساطی به افزایش اشتغال و کاهش بیکاری اقدام می‌کنند که بر اساس آن، تورم که نتیجه این سیاست تلقی می‌شود به دوران پس از انتخابات موکول خواهد شد. آن‌ها سعی می‌کنند میان تئوری سیاسی ادوار تجاری و فرضیه انتظارات عقلایی، تطابق ایجاد کنند. بنابراین، چون هر حزبی سعی دارد نقاط مختلف طیف سیاسی از چپ‌ترین حزب تا راست‌ترین حزب (نظریه هاتلینگ<sup>۲</sup>) را جذب کند، سیاست‌های متفاوتی را اعمال می‌کند (حاتمی، ۱۳۸۹). آن‌ها یک مدل ساده معرفی می‌کنند که در آن سه گروه متفاوت محافظه‌کار، کارگر و شناور با رجحان‌های متفاوت وجود دارند. دولت محافظه‌کار نسبت به دولت کارگر به دنبال حذف تورم و سیاست‌های ضد تورمی بوده و سعی می‌کند ارزش مورد انتظار میانگین وزنی مطلوبیت هواداران خود و رای‌دهندگان شناور را در زمان انتخابات بعدی حداکثر کند. انتظارات عقلایی در رفتار رای‌دهندگان شناور ظاهر می‌شود که براساس اینکه کدام حزب به آن‌ها مطلوبیت مورد انتظار بیشتری در زمان انتخابات می‌دهد، رای می‌دهند. در این فرضیه، واریانس تورم و درآمد قابل تصرف و مقادیر مورد انتظار تورم و درآمد قابل تصرف بر قصد رای‌دهی افراد تاثیر می‌گذارد.

تولوکا<sup>۳</sup> (۱۹۵۹) تئوری رای‌دهندگان میانه را مطرح می‌کند که براساس آن هر دو حزب، سیاست‌های ضد تورمی را برای جلب آرای رای‌دهندگان میانی اتخاذ می‌کنند. نقطه تمایز

---

1. Minford, P. & Peel, D.

2. Hotling theory

3. Tullock, G.



دو حزب که منجر به باخت یا برد آنها می‌شود، کارایی نسبی آنها در تعقیب چنین سیاستی است.

فرای و شیندر<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) به ارائه فرضیه‌ای می‌پردازند که براساس آن، حزب حاکم درصدد باقی ماندن بر سر قدرت بوده و در زمان انتخابات سعی می‌کند که مطلوبیت خود را افزایش دهد؛ از این رو، سیاست‌های انبساطی اعمال کرده و هنگامی که مطمئن است در انتخابات برنده است، سیاست‌هایی به کار می‌گیرد که منطبق با ایدئولوژی خودش است؛ زیرا اصولاً پابندی به ایدئولوژی توسط هر حزب می‌تواند به حفظ نیروهای وفادار به آن حزب منجر شده و بدیهی است که در این صورت، جذب آرای دیگران سخت‌تر خواهد شد (گرچی و اقبالی، ۱۳۹۲).

۲-۲. نظریه انتخاب عمومی: اثر حکمرانی خوب بر نقدینگی و کسری بودجه  
نظریه انتخاب عمومی، انتخابات و رای‌دهی را به عنوان ابزاری معرفی می‌کند که سیاستمداران به دنبال حداکثر کردن رای خود و جامعه در ازای رای دادن به دنبال انتخاب بهترین بسته کالاهای عمومی و سیاسی جهت حداکثر کردن مطلوبیت خود هستند. در این مسیر البته بوروکراسی اداری و لابی‌گرها با تبلیغات و هزینه‌های تبلیغاتی خود نیز موثر هستند (Mbaku, 1997). طبق این تئوری، هرچقدر شفافیت و اطلاعات در این سیستم بیشتر (شناخت‌کننده‌ها، معرفی بسته‌های پیشنهادی سیاستمداران، درک شرایط و اثرات اقتصادی سیاست‌های اقتصادی با توجه به انتظارات عقلایی یا تطبیقی و...) و همچنین قانون‌گرایی و پیروی از قاعده‌گرایی سیاستمداران بهتر، درجه فساد و رانت‌جویی در سیستم کمتر و در یک کلمه کیفیت نهادی و حکمرانی خوب بیشتر باشد، می‌تواند بر انتظارات جامعه و عملکرد سیاستمداران و در انتخاب سیاست‌های اقتصادی در زمان انتخابات تاثیر گذار باشد (Farber, 2017).

بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۲ خود، تحت عنوان «حکمرانی و توسعه»، تعریف خود را از حکمرانی خوب چنین ارائه کرد: «شیوه‌ای است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در راستای توسعه صرف می‌شود». حکمرانی خوب از نظر وزارت فدرال اروپا چنین تعریف می‌شود: در بستر مساعد محیط سیاسی و نهادی که به

---

1. Frey, B.S. & Schneider, D.

حقوق بشر، اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون ارجح می‌نهد، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت شفاف و پاسخگویی افراد بشر، طبیعت، منابع اقتصادی و مالی به منظور توسعه منصفانه و پایدار (رفیعی‌دارانی و شاهنوشی، ۱۳۹۳).

مطالعات نشان می‌دهد بهبود کیفیت نهادها اساسی‌ترین گام در تغییر رفتار سیاست مالی در چرخه‌های سیاسی-تجاری است. کوفی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) مبتنی بر تئوری نهادگرایی و اثر نهادهای رسمی-به‌عنوان مثال قوانین بودجه‌نویسی-را بر کاهش چرخه‌های تجاری سیاسی موثر می‌داند.

دهان و کلوپ<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) ایجاد چرخه‌های تجاری-سیاسی را مشروط به عواملی همچون سطح توسعه‌یافتگی، کیفیت نهادها، عمر و سطح دموکراسی، شفافیت پروسه‌های سیاسی و قانون‌گرایی می‌داند. آن‌ها معتقدند استفاده از سیاست‌های مالی جهت اهداف انتخاباتی، بستگی به فضای نهادی و سیاسی دارد. مبتنی بر تئوری انتخاب عمومی، هرچه منافع خصوصی بیشتری سیاستمداران هنگام قدرت به دست می‌آورند (به‌عنوان مثال رانت‌های بیشتر از زمان ماندن در قدرت)، انگیزه‌های آن‌ها برای تاثیرگذاری بر تلقی رای‌دهندگان قبل از انتخابات قوی‌تر خواهد شد. علاوه بر این، رای‌دهندگان بیشتری که (پیش از آن) نتوانند دستکاری‌های قبل از انتخابات را از صلاحیت فعلی کاندیداها تشخیص دهند، بازدهی بزرگ‌تری برای کاندیدا برای افزایش هزینه‌های قبل از انتخابات ایجاد می‌کند.

شی و اسونسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) مبتنی بر تئوری‌های رانت‌جویی، اثرات فساد دولت، فعالیت‌های رانت‌جویی و رسانه‌های آزاد را به‌عنوان شاخص‌های نهادی موثر بر چرخه‌های تجاری-سیاسی هستند. مبتنی بر تئوری انتخاب عمومی، شفافیت در سیاست‌گذاری مالی ممکن است بر دانش رای‌دهندگان تاثیر بگذارد و از این رو احتمال وقوع سیاست‌های مالی ناشی از انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد. اطلاعات در مورد سیاست اقتصادی هزینه‌بر است و به دلیل مشکل سوارکاری مجانی رای‌دهندگان، انگیزه کمی برای به دست آوردن آن دارند. در نتیجه، ممکن است رای‌دهندگان نتوانند نظارت موثری بر عملکرد دولت داشته باشند (بسلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

1. Cioffi et al.

2. De Haan, J. & Klomp, J.

3. Shi, M. & Svensson, J.

4. Besley, T.

به غیر از انگیزه‌های رای‌دهندگان برای جمع‌آوری اطلاعات در دسترس بودن اطلاعات نیز ممکن است نقشی داشته باشد. ماندن و کالانز<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه فراتحلیل خود بر بیش از ۴۳ مطالعه مربوط به چرخه‌های تجاری-سیاسی، یکی از مهم‌ترین عوامل کنترل این چرخه‌ها را کیفیت نهادهای سیاسی عنوان کردند.

گودجس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) بحث قانون‌گرایی و قواعد مالی در محیط نهادی را محدودکننده چرخه‌های تجاری-سیاسی معرفی می‌کنند و با بررسی رفتار سیاست‌گذار مالی در ۷۳ کشور در حال توسعه در سال ۲۰۱۳ نشان دادند که در دهه اخیر، درجه موافق چرخه‌ای بودن سیاست‌های مالی در ۳۵ درصد از کشورهای مورد بررسی با بهبود کیفیت نهادها، کاهش یافته و یا حتی به پادچرخه‌ای تغییر یافته است. علاوه بر این، درجه موافق چرخه‌ای بودن سیاست مالی در بسیاری از کشورهای آفریقایی از سال ۲۰۰۰ روند کاهشی داشته که غالباً به دلیل توسعه نهادهای سیاسی و اقتصادی بوده است. از سوی دیگر، یافته‌های تجربی موید آن است که کاهش درجه موافق چرخه‌ای بودن سیاست مالی در کشورهای در حال توسعه به تنهایی با اتخاذ قواعد مالی میسر نخواهد شد، بلکه این مساله نیازمند بهبود کارایی دولت و کیفیت نهادهاست که در کنار تعریف و پیاده‌سازی قواعد مالی، می‌تواند یک ترکیب بهینه برای کاهش درجه موافق چرخه‌ای بودن سیاست مالی در این کشورها باشند. شیلی به عنوان یکی از موفق‌ترین کشورهای شیلی است که با پیاده‌سازی قواعد مالی و بهبود کیفیت نهادها از سال ۲۰۰۱ توانسته است گام‌های اساسی در تغییر رفتار سیاست مالی از موافق چرخه‌ای به پادچرخه‌ای بردارد.

با وجود آنکه عواملی مانند نوآوری، سرمایه انسانی و انباشت سرمایه همواره به عنوان عوامل رشد اقتصادی مطرح بوده‌اند، اما در سال‌های اخیر این باور عمومی پدید آمده است که کیفیت نهادها عامل اصلی تفاوت در آمد سرانه، رشد اقتصادی و توسعه کشورهاست. با بهبود عملکرد نهادها در کنار تعریف قواعد مالی، بیشتر می‌توان به کاهش شدت موافق چرخه‌ای بودن سیاست مالی امیدوار بود و یا حتی اقدام به اتخاذ سیاست مالی پادچرخه‌ای کرد.

---

1. Mandon, P. & Cazals, A.

2. Gootjes, B. et al.

به صورت خلاصه می‌توان گفت، مبتنی بر تئوری چرخه تجاری سیاسی (PBC)<sup>۱</sup> و اثر نزدیک‌بینی، دولت‌ها در نزدیک انتخابات و در چرخه‌های سیاسی با استفاده از اقدامات سیاسی، چرخه‌های تجاری و نوسانات در متغیرهای اقتصادی ایجاد می‌کنند که می‌تواند کشور را با هزینه‌های فراوان مواجه کند. به عبارت دیگر، چرخه‌های سیاسی انتخابات بر متغیرهای اقتصادی مهمی همچون نقدینگی می‌تواند نوسان و چرخه ایجاد کنند. در این مطالعه با بررسی اثر انتخابات بر تغییرات کسری بودجه و نقدینگی کشور، وجود چرخه‌های سیاسی در اقتصاد بررسی می‌شود. اما یک گام فراتر رفته و منطبق بر تئوری انتخاب عمومی و کنترل منفعت طلبی سیاستمداران به تحلیل اثر حکمرانی خوب بر این رابطه پرداخته می‌شود که می‌تواند نوآوری مطالعه باشد. این موضوع جهت دنبال کردن اهداف توسعه‌ای کشور برای پژوهشگران، سیاستمداران و برنامه‌ریزان ضروری و کاربردی است.

## ۲-۳. پیشینه پژوهش

### ۲-۳-۱. مطالعات خارجی

ورترمز<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «جدا کردن چرخه بودجه سیاسی محلی در چین: راست آزمایی رابطه U شکل»، این سوال را مطرح کرده است که افق زمانی چه تاثیری بر چرخه بودجه سیاسی دارد؟ در این مطالعه با استفاده از روش مقطعی از ۳۳۳ شهرداری چین برای سال ۲۰۱۲، مشاهده می‌شود که هزینه‌های رفاهی هم به صورت نسبی و هم مطلق در حدود سه سال به حداقل می‌رسد و در آغاز و پایان دوره تصدی یک سیاستمدار حداکثر می‌شود. البته زمانی که هزینه‌های فرصت و احتمال پیشرفت سیاسی در سطح پایین وجود داشته باشد. این چرخه‌ها در استان‌های غربی چشمگیرترین حالت را داشته‌اند؛ جایی که آموزش و پرورش ابزاری مهم برای گسترش ایدئولوژیک است. مخارج بهداشت و درمان و تامین اجتماعی همچنین در پایان دوره تصدی شهردار شاهد گسترش هستند، اگرچه چرخه نسبت به هزینه‌های آموزش کمتر بوده است.

بوتساویلی و اوجیلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «چرخه بودجه سیاسی و خدمات شهری: شواهدی از مخارج بزرگ راه‌ها در ایالات متحده آمریکا» به بررسی چرخه بودجه

1. Political business cycle theory

2. Vortherms, A.

3. Bostashvili, D. & Ujhelyi, G.

سیاسی در هزینه‌های زیرساختی که مشروط به سازمان بوروکراتیک باشد، مطالعه می‌شود. بوروکرات‌ها می‌توانند توانایی سیاستمداران را برای مشارکت در هزینه‌های دوستانه رای‌دهندگان در مورد انتخابات تسهیل یا مشکل‌دار کنند. برای آزمون این ایده از اصلاحات خدمات کشوری که در نیمه دوم قرن بیستم توسط ایالات متحده انجام شده است برای مطالعه چرخه بودجه سیاسی در هزینه‌های بزرگراه‌ها تحت خدمات عمومی و پشتیبانی استفاده می‌شود. در این رابطه مشاهده می‌شود که هزینه‌های بزرگراه در سال‌های انتخابات ۱۲ درصد و در سال قبل از انتخابات ۹ درصد بیشتر شده است. در عوض، هزینه‌های بزرگراه‌های خدمات اساساً نسبت به چرخه انتخابات یکنواخت بوده است. این یافته‌ها روشی جدید را ارائه می‌دهند که از طریق آن قوانین خدمات ملکی می‌توانند فعالیت دولت را تثبیت کنند.

کائو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «چرخه‌های سیاسی محیط زیست: مورد آلودگی هوا PM 2.5 در بخش‌داری‌های چین» بیان کرده‌اند که رفتارهای رهبران محلی چین به واسطه یک ساختار تشویقی شغلی انجام می‌شود که در آن افرادی که اجراهای بهتری دارند، بیشتر تبلیغ می‌شوند. رهبران محلی، وقتی صلاحیت خود را نشان می‌دهند که مافوق آن‌ها به طور فعال شواهدی را برای ارزیابی عملکرد خود جمع‌آوری می‌کند. برای ایجاد عملکردهای اقتصادی بهتر، رهبران محلی اجرای مقررات زیست محیطی را کاهش می‌دهند تا هزینه‌های تولید صنایع محلی و یا جذب شرکت‌ها از سایر حوزه‌های قضایی را کاهش دهند. چنین موضوعی، اجرای انتخابی یک چرخه سیاسی برای محیط زیست ایجاد می‌کند که در آن آلودگی در سال‌های منتهی به سال گردش مالی رهبر افزایش می‌یابد. تجزیه و تحلیل تجربی در یک رویکرد پانلی از بخش‌دارهای چینی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲ نشان می‌دهد رابطه U شکل بین سال‌های دبیر حزب یک بخش‌دار و سطح متوسط PM 2.5 سالانه وجود دارد.

سیدروکین و وروبوی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «چرخه‌های سیاسی و فساد در مناطق روسیه» بحث کرده‌اند که سیاستمداران فعلی فرصت طلب، چه منتخب و چه منصوب، سیاست‌های عمومی را به شیوه‌ای منظم طی چرخه‌های سیاسی تنظیم می‌کنند. بر اساس

---

1. Cao, X. et al.

2. Sidorkin, O. & Vorobyev, D.

داده‌های مناطق روسیه، سوءاستفاده از تغییر در تاریخ‌های بررسی و در تاریخ‌های آغازین دفتر فرمانداری منطقه‌ای روسیه، نشان می‌دهد میزان فساد، آنگونه که توسط شرکت‌هایی که در مناطق مختلف روسیه فعالیت می‌کنند، تصور می‌شود به پایان دوره فرماندار منطقه‌ای نزدیک تر هستند. هنگامی که یک فرماندار به تدریج می‌آموزد پس از پایان دوره فعلی خود مجدد منصوب نمی‌شود، انگیزه‌های بیشتری را برای مشارکت در فعالیت‌های فاسد به منظور انباشت ثروت قبل از عزیمت به وجود می‌آورد. همچنین هنگامی که یک فرماندار مطمئن شود همچنان در سمت خود باقی بماند، ممکن است انگیزه بالاتری برای یکنواخت و هموار کردن کردن فعالیت‌ها با گذشت زمان و در نتیجه افزایش آن داشته باشد.

کاسترو و مارتینس (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل سیاسی هدایت‌کننده چرخه‌ها در سیاست‌های مالی: تجزیه و تحلیل عمیق مؤلفه‌های عملکردی مخارج دولت»، میزان بروز چرخه‌های سیاسی بر مؤلفه‌های عملکردی و زیرمجموعه‌های مخارج دولت برای گروهی از ۱۸ کشور اروپایی در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند. یک برآوردگر LSDVC<sup>۱</sup> به منظور آنالیز تجربی شواهدی از فرصت طلبی سیاسی در سطح کلی و تفکیک شده از مخارج عمومی ارائه می‌دهد. مؤلفه‌های هزینه‌ای بیشتر به رفتار خدمات عمومی، آموزش، حمایت اجتماعی و برخی زیرمؤلفه‌های هزینه‌های بهداشتی مربوط می‌شود؛ مواردی که تمایل به تولید پیامدهایی دارند که برای رای‌دهندگان قابل مشاهده‌تر است.

## ۲-۳-۲. مطالعات داخلی

مزینی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی پدیده چرخه‌های انتخاباتی در اقتصاد ایران (مطالعه موردی نرخ ارز)» بیان می‌کند که طی چند دهه اخیر مطالعه اثر متغیرهای غیراقتصادی بر حوزه اقتصاد در دستور کار محققین قرار گرفته است. این مطالعه به بررسی اثر انتخابات (به عنوان یک پدیده سیاسی) بر متغیرهای اقتصادی است که در ادبیات اقتصادی از آن به ادوار انتخاباتی تعبیر شده است. اصل بحث آن است که اساساً سیاست‌گذاران با هدف جلب نظر رای‌دهندگان، رفتارهای اقتصادی خود را در دوره‌های نزدیک به انتخابات به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که برای رای‌دهندگان خوشایند باشد و در نهایت به انتخاب (مجدد) ایشان بینجامد.

---

1. Least Square Dummy Variable

پور کاظمی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی چرخه‌های سیاسی کسب و کار (مطالعه موردی کشور ایران)» فرضیات نورد هاوس و لیچر در مورد اقتصاد ایران با تمرکز بر کنترل نرخ تورم و بیکاری براساس داده‌های سالیانه دوره ۸۴-۱۳۶۸ مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده در اقتصاد ایران، فرضیه لیچر را تایید کرده است؛ یعنی دولت‌ها (که هر چهار سال یک بار انتخاب می‌شوند) در راستای کنترل نرخ بیکاری در دو سال اول سیاست‌های انبساطی اتخاذ می‌کنند که در نتیجه این سیاست، نرخ تورم افزایش می‌یابد، اما برای انتخاب مجدد در دوره بعد در دو ساله دوم تلاش می‌کنند تا نرخ تورم را کاهش دهند.

شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیر چرخه‌های انتخاباتی بر رشد هزینه‌های عمومی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته» به دنبال پاسخ به این سوال هستند که آیا مولفه‌های چرخه‌های انتخاباتی تاثیر معنی‌داری بر رشد هزینه‌های بهداشت عمومی در دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه منتخب دارند؟ برای پاسخگویی به این سوال از داده‌های تابلویی مربوط به دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۴ استفاده شده است. بعد از انجام آزمون ایستایی متغیرها و آزمون هاسمن<sup>۱</sup> به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از دو روش تابلویی ایستا (اثرات تصادفی) و تابلویی پویا برای تخمین مدل استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده وجود چرخه‌های انتخاباتی در هر دو دسته از کشورهای مورد مطالعه است؛ به این معنی که در کشورهای مورد مطالعه، سیاستمداران قبل از برگزاری انتخابات، هزینه‌های بهداشت عمومی را به امید کسب سهم بیشتری از رای مردم افزایش داده‌اند.

اقبالی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود با عنوان «برآورد سیکل‌های تجاری-سیاسی؛ مورد مطالعه کشور ایران» به برآورد سیکل‌های تجاری سیاسی از طریق مدل  $ARIMA$ <sup>۲</sup> برای اقتصاد ایران طی دوره ۹۵-۱۳۵۷ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تورم طی دوران انتخابات با نوسان همراه بوده و در سال برگزاری انتخابات، تورم کاهش و سال پس از آن، افزایش یافته است. همچنین قبل از انتخابات، نسبت کسر بودجه افزایش و مخارج عمرانی کاهش یافته است. مدل تخمین زده شده برای بعد از انتخابات، بی معنا است. نتایج درخصوص متغیرهای پولی (حجم نقدینگی و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی) نشان

---

1. Hausman Test  
2. AutoRegressive Integrated Moving Average

می‌دهد که رفتار این متغیرها به شکلی بوده که وجود سیکل تجاری سیاسی را در آن‌ها تایید می‌کند. به طور متوسط، در سال‌های برگزاری انتخابات و سال قبل، رشد خالص بدهی دولت نسبت به سایر سال‌ها، سه درصد افزایش یافته که تاثیر این افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در دوره بعد به صورت افزایش در نقدینگی، خود را نشان داده است.

طاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی سیکل‌های سیاسی بودجه‌های عمرانی در اقتصاد ایران» از داده‌های آماری تمام استان‌های کشور در قالب ۲۸ استان در دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۵ و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)<sup>۱</sup> استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که براساس رویکرد فرصت طلبانه در سال‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری سرانه حقیقی بودجه‌های عمرانی در ایران افزایش پیدا کرده‌اند. همچنین تخصیص بودجه‌های عمرانی توسط دولت‌ها در ایران نزدیک به روش کارایی محور است که در آن استان‌های با تولید بالاتر، بودجه‌های عمرانی بیشتری دریافت کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی مطالعات پیشین به بررسی تئوری چرخه‌های تجاری سیاسی در ایران و خارج از کشور با توجه به متغیرهای مختلف اقتصادی پرداخته‌اند، اما کمتر در مسیر سیاست‌گذاری عمومی و اتخاذ راهکارهای جهت مدیریت آن برآمده‌اند. در این مطالعه با بررسی اثرات حکمرانی خوب بر چرخه‌های تجاری سیاسی در ایران، سیاست‌های مناسب جهت برخورد با این پدیده در حوزه عمومی به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳. روش پژوهش

با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM و داده‌های سری زمانی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ و جامعه آماری اقتصاد ایران، این مطالعه انجام شده است. در این مطالعه به تحلیل اثرگذاری حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی بر نقدینگی و کسری بودجه ایران پرداخته شده است. قلمرو مکانی مربوط به این پژوهش کشور ایران است و داده‌های تحقیق و اطلاعات لازم از سایت بانک مرکزی و بانک جهانی استخراج شده است. جهت تصریح الگوی رگرسیونی مدل اول، متغیر نقدینگی با وقفه براساس ادبیات مدل GMM و در واقع پویایی و افزایش قدرت توضیح‌دهندگی مدل استفاده شده است که انتظار تئوریک علامت ضریب مثبت است. متغیرهای انتخابات براساس تئوری‌های چرخه تجاری-سیاسی (تئوری فرصت‌طلبی

---

1. Generalized Method of Moments



نوردهاوس) و نظریه رای‌دهنده میانی و اثرات انتخابات بر متغیرهای کلان اقتصادی (نقدینگی) وارد مدل شده‌اند. براین اساس پیش بینی می‌شود علامت ضریب متغیر یک سال قبل از انتخابات مثبت باشد. متغیرهای حکمرانی خوب و اثرات تعاملی آن با متغیر انتخابات براساس نظریه انتخاب عمومی و نهادگرایی نورث و اثرگذاری محیط‌های نهادی بر متغیرهای کلان اقتصادی و محدودکننده چرخه‌های سیاسی وارد مدل شده‌اند. مبتنی بر تئوری انتخاب عمومی، سیاست‌مداران و مردم هر کدام به دنبال حداکثرسازی منافع خود هستند و مهم‌ترین ابزار نظارت بر سیاست‌گذاران، ابزارهای نهادی و ساختاری حکمرانی است (Gootjes et al., 2020). تقویت قانون‌مداری، کاهش فساد، افزایش آزادی‌های اجتماعی، شفافیت و کاهش خشونت همگی به‌عنوان شاخص‌های نهادی و حکمرانی باعث نظارت دقیق بر سیاست‌های سیاست‌گذاران و مهار آن‌ها در جهت حداکثرسازی منافع رای‌دهندگان است. بنابراین، انتظار تئوریک بر منفی بودن شاخص حکمرانی خوب و متغیر تعاملی شاخص حکمرانی خوب و متغیر یک سال قبل از انتخابات است. همچنین علامت مورد انتظار برای متغیرهای توضیحی درآمد نفتی به‌عنوان دارایی‌های خارجی بانک مرکزی براساس تئوری پایه پولی (مثبت)، هزینه دولت به‌عنوان جانشینی برای بدهی دولت در تئوری پایه پولی (مثبت)، درآمد مالیاتی به‌عنوان یک نشی از مدل سه بخشی اقتصاد کلان با حضور دولت که می‌تواند باعث کاهش تولید و تقاضای پول (تقاضای معاملات و احتیاطی پول کینز) و در نتیجه کاهش حجم پول شود (منفی). تولید ناخالص داخلی واقعی (مثبت) و نرخ تورم (منفی) نیز می‌توانند منطبق بر تئوری تورم انتظاری بر سرعت گردش پول، سپرده‌های بانکی و در نتیجه خلق پول توسط سیستم بانکی و در نهایت نقدینگی موثر باشند. به بیان دیگر، تورم مبتنی بر تئوری انتظارات بر نرخ بهره و متغیرهای واقعی اقتصاد و تقاضای پول و در نتیجه حجم پول موثر است (Ragot, X., 2005). افزایش نرخ تورم از طریق مالیات تورمی بر سرمایه‌گذاری، تولید و حجم نقدینگی بنگاه‌ها و کشور نیز موثر است (Nyakiamo, Zhou, 2019; 2015). بنابراین، در این تحقیق با توجه به ادبیات و پیشینه‌های تحقیق الگوی رگرسیونی به‌صورت رابطه (۱) است.

$$dLiquidity_t = \alpha_0 + \alpha_1 Liquidity(-1)_t + \alpha_2 D1_t + \alpha_3 Oil_t + \alpha_4 INF_t + \alpha_5 GE_t + \alpha_6 GDP_t + \alpha_7 Tax_t + \alpha_8 GG_t + \alpha_9 D1 * GG_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در رابطه (۱) متغیر وابسته شاخص تغییرات نقدینگی  $dLiquidity$  و متغیرهای مستقل پژوهش، متغیر مجازی یکسال قبل از انتخابات  $DI$  در ایران در نظر گرفته شده است. همچنین متغیرهای کنترلی این پژوهش عبارتند از: تولید ناخالص داخلی واقعی  $GDP$ ، نرخ تورم  $Inf$ ، درآمدهای نفتی  $Oil$ ، درآمدهای مالیاتی  $Tax$  و هزینه جاری دولت  $GE$  و  $GG$  شاخص حکمرانی خوب که ترکیبی از شاخص‌های مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی (عدالت)، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری است و این شاخص از بانک جهانی گرفته شده است.<sup>۱</sup>  $\varepsilon$  میزان خطای مدل و  $t$  سال را نشان می‌دهد.

جهت تصریح الگوی رگرسیونی مدل دوم، متغیر کسری بودجه با وقفه براساس ادبیات مدل  $GMM$  و پویایی و افزایش قدرت توضیح‌دهندگی مدل استفاده شده است که انتظار تئوریک علامت ضریب مثبت است. متغیرهای انتخابات براساس تئوری‌های چرخه تجاری-سیاسی (چرخه سیاسی بودجه) و نظریه رای‌دهنده میانی و اثرات انتخابات بر متغیرهای کلان اقتصادی (کسری بودجه) وارد مدل شده‌اند. براین اساس پیش بینی می‌شود علامت ضریب متغیر یک سال قبل از انتخابات، مثبت و متغیر یک سال بعد از انتخابات بر کسری بودجه، منفی باشد. متغیرهای حکمرانی خوب و اثرات تعاملی آن با متغیرهای انتخابات براساس نظریه انتخاب عمومی و نهادگرایی نورث و اثرگذاری محیط‌های نهادی بر متغیرهای کلان اقتصادی و محدودکننده چرخه‌های سیاسی وارد مدل شده‌اند. افزایش شاخص‌های حکمرانی خوب باعث نظارت بر تصمیمات سیاستمداران و کاهش کسری بودجه دولت و در نظر گرفتن وزن بیشتری برای منافع رای‌دهندگان است (Bariş ik, S. & Baris, A., 2017). بنابراین، انتظار تئوریک بر منفی بودن شاخص حکمرانی خوب و متغیرهای تعاملی حکمرانی خوب و متغیر یک سال قبل (بعد) از انتخابات است. همچنین علامت مورد انتظار برای متغیرهای توضیحی درآمد نفتی به منابع تامین مالی دولت (منفی)، هزینه جاری دولت (مثبت)، درآمد مالیاتی به عنوان منبع تامین مالی دولت (منفی) مطرح است. تولید ناخالص داخلی واقعی (مثبت) و نرخ تورم (منفی) نیز می‌تواند به ترتیب بر درآمدهای مالیاتی و

۱. داده‌های حکمرانی خوب از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸ (۱۳۹۷-۱۳۷۴) برای تمام کشورها و از جمله ایران از طرف بانک جهانی منتشر شده است. داده‌های سال‌های قبل و داده‌های غیرموجود این متغیر با استفاده از روش سری زمانی  $ARIMA(1,1,1)$  و قدرت تعیین  $0.98$  برآورد و در مدل استفاده شده است.

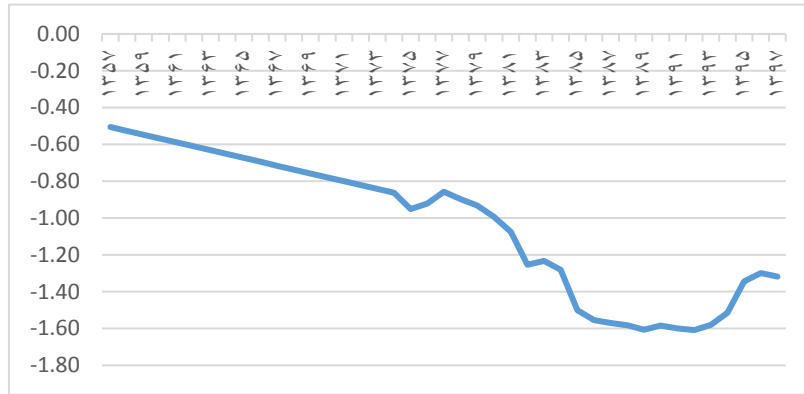
هزینه‌های دولت و در نهایت کسری بودجه موثر باشند. بنابراین، الگوی رگرسیونی دوم برای مدل کسری بودجه به صورت رابطه (۲) است.

$$\begin{aligned} BD_t = & \alpha_0 + \alpha_1 BD(-1)_t + \alpha_2 D1_t + \alpha_3 D2_t + \alpha_4 Oil_t \\ & + \alpha_5 INF_t + \alpha_6 GE_t + \alpha_7 GDP_t \\ & + \alpha_8 Tax_t + \alpha_9 GG_t + \alpha_{10} D1 * GG_t \\ & + \alpha_{11} D2 * GG_t + \varepsilon_t \end{aligned} \quad (2)$$

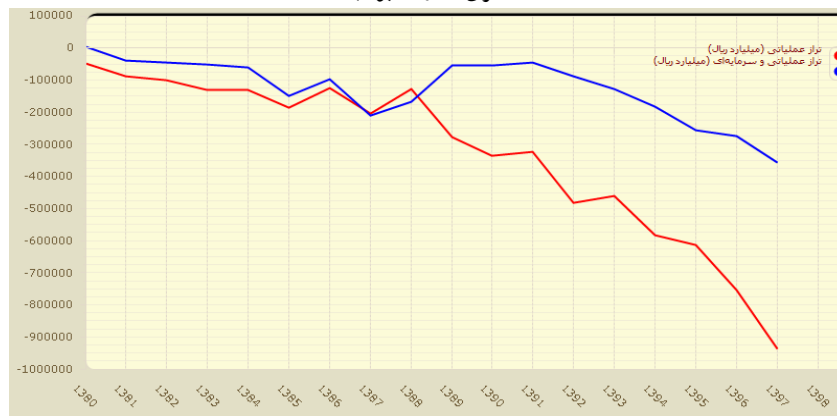
در رابطه (۲)، متغیر وابسته شاخص شاخص کسری بودجه دولت BD (درآمدهای مالیاتی منهای هزینه‌های دولت) و متغیرهای مستقل پژوهش متغیر مجازی یکسال قبل از انتخابات D1 و یکسال بعد از انتخابات D2 در ایران و GG شاخص حکمرانی خوب در نظر گرفته شده است. قبل از اعلام نتایج و برآورد الگو، روند سه متغیر اصلی شاخص حکمرانی خوب، نقدینگی و کسری (یا مازاد) بودجه ایران در نمودار (۱) به تصویر کشیده شده است.

همانطور که نمودار (۱)، روند متغیرهای نقدینگی، کسری (مازاد) بودجه و شاخص حکمرانی خوب در ایران نشان می‌دهد، شاخص حکمرانی خوب روند به نسبت نزولی (کاهش) پس از انقلاب در پیش گرفته است، اما متغیرهای نقدینگی و کسری بودجه روند به نسبت افزایشی را نشان می‌دهند. بنابراین، در دید اولیه رابطه منفی بین حکمرانی خوب و شاخص‌های کسری بودجه و نقدینگی در کشور مشاهده می‌شود.

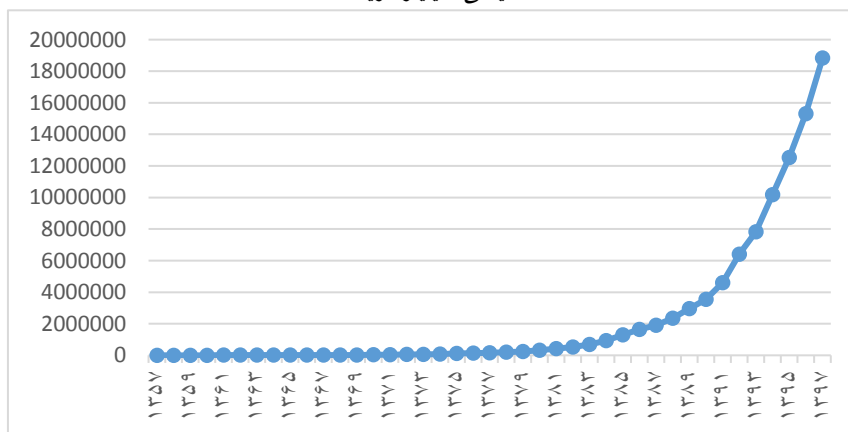
نمودار ۱: روند متغیرهای نقدینگی، کسری (مازاد) بودجه و شاخص حکمرانی خوب در ایران  
شاخص حکمرانی خوب



کسری (مازاد) بودجه



نقدینگی (میلیارد ریال)



ماخذ: بانک مرکزی ایران و بانک جهانی

#### ۴. نتایج پژوهش

در این قسمت، پیش‌آزمون‌های موردنیاز تخمین برای مدل پژوهش انجام خواهد شد. پیش‌آزمون‌های موردنیاز، مفروضات کلاسیک همچون هم‌خطی، واریانس ناهمسانی، خودهمبستگی و نرمالیتی است.

#### ۴-۱. آزمون هم‌خطی

نتایج تورم واریانس متغیرهای تحقیق برای آزمون هم‌خطی به صورت جدول (۲) است.

جدول ۱. آزمون هم‌خطی مدل‌های پژوهش

نام متغیر	نماد	VIF مدل اول	VIF مدل دوم
GDP	تولید ناخالص داخلی واقعی	۴/۹۹	۴/۵۲
Oil	درآمدهای نفتی	۴/۹۹	۴/۰۹
Tax	درآمدهای مالیاتی	۴/۲۴	۳/۹۲
Inf	نرخ تورم	۳/۱۵	۲/۲۵
GovernExpen	هزینه جاری دولت	۲/۶۸	۲/۰۱
GG	حکمرانی خوب	۱/۹۹	۱/۹۵

ماخذ: یافته‌های پژوهش

کمتر بودن مقادیر عوامل تورم واریانس (VIF) از عدد ۵ بیانگر عدم وجود هم‌خطی شدید بین متغیرهای مستقل است.

#### ۴-۲. آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته

از آنجایی که در انجام این پژوهش به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌شود و این روش بر این فرض استوار است که متغیرهای وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال باشند، توزیع غیرنرمال آن‌ها منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود. بنابراین، لازم است نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره جارک-برا<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر احتمال آماره کمتر از ۵ درصد باشد ( $Prob < 0/05$ ) فرضیه  $H_0$

1. Jarque-Bera Test

مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه رد می‌شود. نتایج حاصل از آزمون آماری مطرح شده در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته پژوهش

متغیر	آماره جاک-برا	سطح معناداری
تغییرات نقدینگی	۱/۹۸۵۴	۰/۱۹۵۴۲
تغییرات کسری بودجه	۱/۸۰۳۲	۰/۲۱۰۵۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (۲) از آنجایی که سطح اهمیت آماره جاک-برا در متغیر وابسته به بالاتر از ۰/۰۵ افزایش یافته است. بنابراین، فرضیه  $H_0$  در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید شده و بیانگر این است که متغیرهای وابسته پژوهش، دارای توزیع نرمال هستند.

#### ۳-۴. آزمون‌های خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی مدل رگرسیون

قبل از تفسیر نتایج رگرسیون، برای تصدیق صحت نتایج و حصول اطمینان از قابلیت اتکا نتایج، مفروضات مدل را بررسی کرد. این فروض بدین شرح‌اند:

- عدم خودهمبستگی: در این پژوهش به منظور بررسی عدم خودهمبستگی از آزمون بروش پاگان گادفری (BPG)<sup>۱</sup> استفاده شده و در صورتی که مدل دچار خودهمبستگی باشد برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)<sup>۲</sup> جهت تخمین مدل استفاده می‌شود. فرضیه  $H_0$  این آزمون نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی و فرضیه  $H_1$  آن بیانگر خودهمبستگی است. در صورتی که آماره احتمال مربوط به آزمون بروش پاگان گادفری کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه  $H_0$  مبنی بر عدم خودهمبستگی رد می‌شود و در مقابل فرضیه  $H_1$  مبنی بر وجود خودهمبستگی پذیرفته می‌شود.

جدول ۳: آزمون بروش پاگان گادفری

نتیجه	احتمال	آماره آزمون
عدم خودهمبستگی	۰/۲۹۴۸	۱/۱۹۸۵
عدم خودهمبستگی	۰/۴۰۲۵	۱/۴۳۹۷

ماخذ: یافته‌های پژوهش

1. Breusch-Pagan godfrey
2. Generalized least squares

با توجه به اینکه آماره احتمال این آزمون در مدل‌ها بیشتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد است، مدل‌های پژوهش خودهمبستگی ندارد.

– همسانی واریانس‌ها: در این پژوهش به منظور بررسی همسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده و در صورتی که مدل دچار ناهمسانی واریانس باشد، جهت رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای تخمین مدل استفاده می‌شود. فرضیه  $H_0$  این آزمون نشان‌دهنده همسان بودن واریانس و فرضیه  $H_1$  آن بیانگر ناهمسان بودن واریانس‌ها است. در صورتی که آماره احتمال مربوط به آزمون والد تعدیل شده کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه  $H_0$  مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود و در مقابل فرضیه  $H_1$  مبنی بر ناهمسانی واریانس پذیرفته می‌شود.

جدول (۴) نتایج حاصل از بررسی ناهمسانی واریانس با استفاده از آزمون والد تعدیل شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. آزمون ناهمسانی واریانس (والد تعدیل شده)

نتیجه	احتمال	آماره آزمون
عدم ناهمسانی واریانس	۰/۵۰۹۷	۱/۴۱۲
عدم ناهمسانی واریانس	۰/۷۹۰۷	۱/۰۷۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار آماره احتمال در مدل‌ها بیشتر از مقدار خطای استاندارد ( $\alpha=0/05$ ) است، بنابراین ناهمسانی واریانس در مدل‌های پژوهش وجود ندارد. پیش از تخمین مدل‌های رگرسیونی جهت مقابله با رگرسیون کاذب، آزمون مانایی متغیرهای پژوهش انجام می‌شود. در این مطالعه از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) جهت مانایی متغیرهای پژوهش استفاده شده است که نتایج آن به صورت جدول (۵) است.

همانطور که نتایج آزمون مانایی ADF نشان می‌دهد، دو متغیر نقدینگی و کسری بودجه همجمع از درجه ۱ هستند (با یک تفاضل مانا هستند) و سایر متغیرها، همجمع از درجه صفر (مانا) هستند. با توجه به نتایج آزمون مانایی، متغیرهای نقدینگی و کسری بودجه به صورت تفاضلی وارد مدل می‌شوند تا مدل‌ها همجمع باشند.

جدول ۵. آزمون مانایی ADF متغیرهای تحقیق

نتیجه مانایی	آماره ADF (احتمال)	نماد	متغیر
I(1)	-۱/۱۰۷ (۰/۵۷۱)	Liquidity	نقدینگی
I(0)	-۴/۰۲۵ (۰/۰۰۰)	D(Liquidity)	تغییرات نقدینگی
I(1)	-۱/۳۰۷ (۰/۴۰۶)	BD	کسری بودجه
I(0)	-۳/۹۹۶ (۰/۰۰۰)	D(BD)	تغییرات کسری بودجه
I(0)	-۳/۰۳۲ (۰/۰۴۱)	GDP	تولید ناخالص داخلی واقعی
I(0)	-۵/۳۲۱ (۰/۰۰۰)	Oil	درآمدهای نفتی
I(0)	-۳/۰۱۴ (۰/۰۰۱)	Tax	درآمدهای مالیاتی
I(0)	-۳/۱۹۵ (۰/۰۰۹)	Inf	نرخ تورم
I(0)	-۳/۰۰۶ (۰/۰۰۱)	GovernExpen	هزینه جاری دولت
I(0)	-۳/۹۹۶ (۰/۰۰۰)	GG	حکمرانی خوب

ماخذ: یافته‌های پژوهش

#### ۴-۴. تخمین مدل اول نقدینگی

نتایج الگوی برآورد شده در این تحقیق در جدول (۶) آورده شده است. در معادلاتی که در تخمین آن‌ها اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور و وجود وقفه متغیر وابسته در متغیرهای توضیحی اهمیت خاص دارد، از تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM)<sup>۱</sup> که مبتنی بر مدل های پویای سری زمانی است، استفاده می شود (Barro, R.J. & Lee, J.W., 1996). برای تخمین مدل به وسیله این روش، لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل مشخص شوند. آماره والد آزمون سارگان (۱۹۵۸)<sup>۲</sup>، معتبر بودن ابزارها را آزمون می کند و برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به کار برده می شود. برای اینکه ابزارها معتبر باشند باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد. علاوه بر این، فرضیه صفر آماره والد آزمون سارگان (متغیرهای ابزاری که شامل متغیرهای مستقل الگو هستند با پسماندها همبسته نیستند) را نمی توان رد کرد؛ از این رو، می توان گفت متغیرهای ابزاری استفاده شده در این مدل مناسب هستند. آماره سارگان دارای توزیع کای دو با درجه آزادی

<sup>۱</sup>. Generalized method of moments

<sup>۲</sup>. Sargan test



برابر با تعداد متغیرهای مستقل الگو است که آزمون صفر آن، همبسته بودن پسماندها را رد می‌کند. در نتیجه، اعتبار نتایج جهت تفسیر تایید می‌شوند.

جدول ۶. برآورد الگوی تحقیق با روش GMM: متغیر وابسته تغییرات نقدینگی dLiquidity

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
تغییرات نقدینگی با وقفه	dLiquidity (-1)	۰/۰۰۷۸	۰/۰۰۴۲	۱/۸۸	۰/۰۳۹
تولید ناخالص داخلی واقعی	GDP	۰/۰۰۰۲۹	۰/۰۰۰۱۱	۲/۷۰	۰/۰۰۴
درآمدهای نفتی	Oil	۰/۰۱۴۰	۰/۰۰۷۱	۱/۹۸	۰/۰۳
درآمدهای مالیاتی	Tax	۰/۰۲۳۰	۰/۰۱	۲/۳۰	۰/۰۱۳
نرخ تورم	Inf	-۰/۰۰۴۰	۰/۰۰۲	-۲/۲۰	۰/۰۲
هزینه جاری دولت	GovernExpen	۰/۰۷۱۴	۰/۰۳۷	۱/۹۳	۰/۰۳
متغیر مجازی یک سال قبل از انتخابات	D1	۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۱	۲/۰۵	۰/۰۳
حکمرانی خوب	GG	-۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۳۱	-۱/۹۵	۰/۰۳۱
حکمرانی خوب و مجازی قبل از انتخابات	GG*D1	-۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۱۲	-۲/۵۰	۰/۰۰۲

آماره والد آزمون سارگان ۶/۵۰۹ احتمال آماره سارگان: ۰/۲۹۱ آماره M2: ۳/۰۹- احتمال آماره: ۰/۴۱۸

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در تفسیر آماره سارگان می‌توان گفت همبستگی بین باقیمانده‌های تخمین که می‌تواند باعث اریب در ضرایب تخمینی شود در این آزمون رد می‌شود. در واقع این آزمون ارتباط بین باقیمانده‌های تخمین را بررسی می‌کند تا مشکل خودهمبستگی به عنوان یکی از مشکلات احتمالی کلاسیک رگرسیون را آزمون کند که در نهایت وجود این خودهمبستگی رد شده است. نتایج آزمون همبستگی سریالی و آماره M2 نشان می‌دهد آماره ۳/۰۹- و احتمال معناداری ۰/۴۱ است که بر اساس نتایج به دست آمده، فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی سریالی را نمی‌توان رد کرد و نشان می‌دهد که خطای تورش تصریح وجود ندارد.

نتایج حاصل از تخمین مدل پژوهش در جدول (۶) ارائه شده است. مقدار LR رگرسیون که معناداری کل مدل را نشان می‌دهد دارای احتمال کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ۸۱ درصد متغیر وابسته تغییرات نقدینگی را تبیین می‌کنند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر مستقل مجازی سال قبل از انتخابات بر متغیر وابسته تغییرات نقدینگی مثبت و معنادار است. این نتایج منطبق بر چرخه‌های تجاری سیاسی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر مستقل حکمرانی خوب بر متغیر وابسته تغییرات نقدینگی منفی و معنادار است. همچنین اثرات ضریبی شاخص حکمرانی خوب و متغیرهای مجازی انتخابات نیز بر تغییرات نقدینگی منفی و معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد که با حکمرانی خوب و همراه با انتخابات، می‌توان تغییرات نقدینگی را کنترل کرد؛ از این رو، چرخه‌های سیاسی با وجود حکمرانی خوب کنترل خواهد شد.

اثر متغیر تورم بر تغییرات نقدینگی منفی و معنادار است و می‌توان این گونه توجیه کرد که افزایش تورم مبتنی بر تئوری انتظارات تورمی باعث کاهش ارزش پول و داغ شدن پول می‌شود که در صورت ثابت بودن سایر شرایط باعث خروج پول از سیستم بانکی و کاهش سپرده‌ها و تبدیل آن به دارایی خواهد شد. این موضوع سپرده‌های بلندمدت را کاهش داده و منجر به کاهش خلق پول از طریق سیستم بانکی و کاهش نقدینگی خواهد شد. در واقع تورم مبتنی بر تئوری انتظارات بر نرخ بهره و متغیرهای واقعی اقتصاد و تقاضای پول و در نتیجه حجم پول را افزایش می‌دهد. مسیر دیگر اثرگذاری افزایش نرخ تورم از طریق مالیات تورمی بر سرمایه‌گذاری، تولید و حجم نقدینگی بنگاه‌ها و کشور است.

#### ۴-۵. تخمین مدل دوم کسری بودجه

نتایج الگوی برآورد شده در این تحقیق در جدول (۷) آورده شده است. با توجه به اهمیت اثرات غیر قابل مشاهده‌ی خاص هر کشور و وجود وقفه متغیر وابسته، از تخمین زن گشتاور تعمیم یافته (GMM) که مبتنی بر مدل‌های پویای سری زمانی است استفاده می‌شود (بارو و لی، ۱۹۹۶). برای تخمین مدل به وسیله این روش لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل مشخص شوند. آماره والد آزمون سارگان، معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند.

جدول ۷. برآورد الگوی تحقیق با روش GMM: متغیر وابسته تغییرات کسری بودجه dBD

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره	سطح معنی داری
تغییرات کسری بودجه با وقفه	dBD(-1)	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۹۳
تولید ناخالص داخلی واقعی	GDP	-۰/۰۰۰۹۵	۰/۰۰۵۲	-۱/۸۴	۰/۰۴۸
درآمدهای نفتی	Oil	-۰/۰۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰۴	-۲/۷۰	۰/۰۰۴
درآمدهای مالیاتی	Tax	-۰/۰۰۵۶۲	۰/۰۱۹	-۲/۹۶	۰/۰۰۳
نرخ تورم	Inf	۰/۲۸۲۸	۰/۱۴۰	۲/۰۲	۰/۰۲
هزینه جاری دولت	GovernExpen	۰/۰۶۴۰	۰/۰۲۰	۳/۲۰	۰/۰۰۱
متغیر مجازی یک سال قبل از انتخابات	D1	-۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۷	-۱/۸۳	۰/۰۴۸
متغیر مجازی یک سال بعد از انتخابات	D2	-۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۰۰۳	-۲/۶۸	۰/۰۰۲
حکمرانی خوب	GG	-۰/۰۳۹۹	۰/۰۱۹۰	-۲/۱۰	۰/۰۱۸
حکمرانی خوب و مجازی قبل از انتخابات	GG*D1	-۰/۰۰۰۰۱۳	۰/۰۰۰۰۰۴	-۳/۳۰	۰/۰۰۰
حکمرانی خوب و مجازی بعد از انتخابات	GG*D2	-۰/۰۰۰۰۱۷	۰/۰۰۰۰۰۵	-۳/۴۰	۰/۰۰۰
آماره والد آزمون سارگان ۳/۴۲ احتمال آماره سارگان: ۰/۲۹۸ آماره M2: ۳/۳۳ - احتمال آماره: ۰/۴۹۰					

ماخذ: یافته‌های پژوهش

فرضیه صفر آماره والد آزمون سارگان را نمی‌توان رد کرد؛ از این رو، می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری استفاده شده در این مدل مناسب هستند و در نتیجه، اعتبار نتایج جهت تفسیر تایید می‌شوند. مقدار LR رگرسیون که معناداری کل مدل را نشان می‌دهد، دارای احتمال کمتر از ۰/۰۱ است و می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده است. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ۷۰ درصد تغییرات کسری بودجه را تبیین می‌کنند.

آماره M<sub>2</sub> جهت آزمون همبستگی سریالی در روش GMM، وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم

می‌کند. تخمین‌زننده GMM سازگار است اگر همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. نتایج آزمون همبستگی سریالی و آماره  $M_2$  نشان می‌دهد که آماره  $۳/۳۳-$  و احتمال معناداری  $۰/۴۹$  است که براساس نتایج به دست آمده، فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی سریالی را نمی‌توان رد کرد و نشان می‌دهد که خطای تورش تصریح وجود ندارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر مستقل مجازی سال قبل از انتخابات بر متغیر وابسته تغییرات کسری بودجه مثبت و معنادار است. همچنین اثر متغیر مستقل مجازی سال بعد از انتخابات بر متغیر وابسته تغییرات کسری بودجه منفی و معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد که قبل از انتخابات کسری بودجه افزایش می‌یابد و بعد از انتخابات در مسیر کنترل کسری بودجه گام برداشته می‌شود. این نتایج منطبق بر چرخه‌های تجاری سیاسی است که نشان می‌دهد انتخابات بر متغیرهای کلان اقتصادی موثر است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اثر متغیر مستقل حکمرانی خوب بر متغیر وابسته تغییرات کسری بودجه منفی و معنادار است. همچنین اثرات ضربی شاخص حکمرانی خوب و متغیرهای مجازی انتخابات بر شاخص تغییرات کسری بودجه منفی و معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد با حکمرانی خوب و همراه با انتخابات، می‌توان کسری بودجه را کنترل کرد. از این رو، چرخه‌های تجاری با وجود حکمرانی خوب کنترل خواهد شد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تحلیل اثرگذاری حکمرانی خوب بر چرخه‌های تجاری-سیاسی با تاکید بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۵۷ است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و روش تخمین به صورت GMM و داده‌ها از سایت بانک مرکزی و سایت مرکز آمار ایران برای اقتصاد ایران است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قبل از انتخابات، تغییرات نقدینگی و کسری بودجه افزایش می‌یابد. همچنین تقویت حکمرانی خوب می‌تواند تغییرات کسری بودجه و نقدینگی در اقتصاد ایران را کاهش دهد. به نوعی می‌توان این‌گونه توضیح داد که حکمرانی خوب به خوبی می‌تواند از نوسانات کسری بودجه و نقدینگی جلوگیری کند. همچنین اثرات تعاملی حکمرانی خوب و متغیرهای مجازی انتخابات نشان می‌دهد با

حکمرانی خوب حتی همراه با انتخابات (و استفاده احتمالی سیاستمداران از متغیرهای اقتصادی در زمان انتخابات)، می‌توان کسری بودجه دولت و نقدینگی را کنترل کرد. بنابراین چرخه‌های سیاسی با وجود حکمرانی خوب کنترل خواهد شد.

این مطالعه نشان می‌دهد دولت‌ها قبل از انتخابات و در مسیر اهداف سیاسی و انتخاباتی خود (سیاستمدار حداکثرکننده تعداد آرای مردم) مبادرت به پول‌پاشی در سطح جامعه می‌کند (سیاست‌هایی که نقدینگی را در جامعه افزایش می‌دهد) و جهت کنترل این روند و حتی معکوس کردن آن (افزایش نقدینگی بعد از انتخابات و سیاست‌های توسعه‌ای و عمرانی) باید مکانیزم‌های نظارتی، قانون‌گرایی، کاهش فساد و... و در یک کلمه بهبود حکمرانی خوب در کشور را مورد هدف قرار داد.

بررسی تحولات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبین این قضیه است که سیاست، یک عامل مهم در نوسانات اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شود. در این زمینه دستیابی به قدرت از طریق مکانیزم انتخابات و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی از طرف دولتمردان می‌تواند تحت تاثیر قرار گیرد. در واقع دولتمردان جهت انتخاب مجدد خود، از سیاست‌های نقدینگی و کسری بودجه سوء استفاده می‌کنند.

نتایج این مطالعه در جهت تایید سیکل تجاری سیاسی در ایران است که منطبق بر مطالعات شهبازی و گلشنی (۱۳۹۵)، طاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) و ورترمز (۲۰۱۹) می‌باشد.

در مقاله حاضر از مدل فرصت‌طلبانه نورد هاوس استفاده شده است که در آن، دولت و احزاب سعی دارند از طریق اقدامات و تغییرات کوتاه مدت، رضایت رای‌دهندگان را جلب کنند و از این طریق به قدرت برسند. این سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر اهداف انتخاباتی، اثرات مثبت کوتاه مدت داشته و رای مردم را جذب می‌کند، اما در بلندمدت اثرات مخرب تورمی و رکودی خود را خواهد گذاشت که جامعه کمتر به آن توجه می‌کند غالباً به فراموشی سپرده می‌شود. به صورت خلاصه در اقتصاد ایران، رفتار دولت‌ها همواره یکی از عوامل نوسان ساز بوده و در مجموع وجود ادوار تجاری سیاسی در نقدینگی و کسری بودجه تایید می‌شود.

نتایج این مطالعه در مدل کسری بودجه و نقدینگی با وجود تایید چرخه‌ها در اقتصاد ایران، شکنندگی تئوری چرخه‌های تجاری-سیاسی را نیز نشان می‌دهد. به عبارت دیگر

با تقویت حکمرانی خوب در کشور و افزایش شاخص‌های کیفیت محیط سیاسی می‌توان اثرات منفی چرخه‌های تجاری-سیاسی و فرصت‌طلبی سیاستمداران از سیاست‌های اقتصادی نزدیک انتخابات را کنترل کرد. این نتایج منطبق بر تئوری انتخاب عمومی، نهادگرایی جدید و مطالعات بسلی (۲۰۰۶)، کوفی و همکاران (۲۰۱۲)، دهان و کلومپ (۲۰۱۳) و ماندن و کالالز (۲۰۱۹) و گودجه و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشند که همگی اثرات کیفیت نهادها و محیط نهادی و سیاسی را بر مدیریت چرخه‌ها موثر می‌دانند.

## ۶. توصیه‌های سیاستی

این مطالعه وجود چرخه‌های تجاری سیاسی در اقتصاد ایران را تایید می‌کند. بنابراین، در درجه اول، سازمان‌های نظارتی و قانونگذاری نسبت به سیاست‌گذاری‌های عمومی اقتصادی دولت در سال قبل از انتخابات حساس بوده و دولت را در مسیر سیاست‌هایی که اثرات بلندمدت مخرب اقتصادی در جامعه دارد، نهی کنند. جدای از عوامل اقتصادی موثر بر سیکل‌های تجاری، یافته‌های این پژوهش موید تاثیر اعمال سیاسی در کوتاه‌مدت بر متغیرهای مهم اقتصادی است. بنابراین، در راستای کاهش نوسانات این متغیرها، تدوین چارچوب‌هایی در سطح ملی برای انتخابات به منظور حداقل کردن تاثیر اعمال سیاسی دولت‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد به وجود آمدن این سیکل‌ها در نتیجه ضعف سیستم سیاسی است. عوامل متعددی می‌توانند عامل ورود و سوء استفاده دولت‌ها در فرآیند انتخابات شود و فرض خیرخواهی و توانایی را برای حداکثر کردن منافع اجتماعی کنار بگذارند. بنابراین، همانطور که نتایج نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص‌های کلان اقتصادی تغییرات کسری بودجه کشور تاثیر گذار است، می‌توانند اثرات سوء وجود چرخه‌های تجاری سیاسی در اقتصاد ایران را کاهش دهند.

با توجه به نتایج تحقیق که نشان می‌دهد اثر شاخص حکمرانی خوب و اثر تعاملی حکمرانی و متغیر مجازی انتخابات بر تغییرات کسری بودجه منفی و معنادار است، به مدیران کلان اقتصادی و سیاسی توصیه می‌شود جهت کنترل چرخه‌های تجاری سیاسی در کشور و مدیریت کسری بودجه، سیاست‌های مبتنی بر افزایش حکمرانی خوب و شاخص‌های آن همچون دموکراسی، ثبات سیاسی، کیفیت نهادها، کارایی دولت و قانون‌گرایی در پیش گرفته شود. به عبارت دقیق‌تر، با تقویت دموکراسی در کشور و

حضور افراد شایسته برای پست‌های انتخاباتی و وجود اطلاعات کامل و شفافیت و آزادی رسانه‌ها همگی می‌تواند اثرات سیاست‌های دولت قبل از انتخابات را بهتر نشان دهد و اثرات مخرب چرخه‌ها در اقتصاد ایران کاهش دهد.

ثبات سیاسی از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب باعث می‌شود که دولتمردان کمتر به فکر سیاست‌های با اثرات کوتاه‌مدت باشند. با افزایش کارایی دولت و کنترل فساد از شاخص‌های حکمرانی خوب نیز می‌توان در مسیر کاهش اثرات مخرب چرخه‌های تجاری و سیاسی کمک کرد. قانون‌گرایی و پیروی از قاعده‌گرایی (دنبال کردن یک هدف سیاستی در بلندمدت) می‌تواند اثرات منفی چرخه‌ها را در مسیر منافع جامعه کاهش دهد.

با توجه به نتایج مدل که نشان از اثرگذاری حکمرانی خوب و شاخص سال قبل انتخابات بر تغییرات نقدینگی کشور است، پیشنهاد می‌شود جهت کنترل سیکل‌های تجاری سیاسی و مدیریت نقدینگی و کاهش اثرات مخرب انتخابات بر نقدینگی کشور به تقویت حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در کشور پرداخته شود. همچنین از طریق استقلال بانک مرکزی و با محدود کردن دولت در تدوین سیاست‌های پولی و مالی می‌توان از اقدامات مغرضانه قبل از انتخابات جلوگیری به عمل آورد.

تاسیس صندوق ثروت ملی و پیاده‌سازی قواعد، می‌تواند با ممانعت از ورود نوسانات قیمت نفت و درآمدهای حاصل از آن به هموارسازی مخارج دولت در دوره رونق و انقباضات ناگهانی در دوره رکود کمک کنند و اثرات چرخه‌ای تجاری سیاسی را کاهش دهد. بنابراین، در درجه اول با پذیرش چرخه‌های تجاری سیاسی در اقتصاد کشور، سیستم‌های نظارتی - قانون‌گذاری - بر سیاست‌گذاری‌های دولت نظارت کرده و از طریق تذکرهای قانونی دولت را نسبت به سیاست‌های اجرایی متنبه کنند.

استقلال بانک مرکزی نیز می‌تواند دولت را از اجرای سیاست‌های پوپولیستی و کاهش اثرات منفی چرخه‌های تجاری و سیاسی دور کند.

آگاهی‌سازی جامعه از اقدامات دولت و نشان دادن اثرات سیاست‌های اقتصادی دولت در سال‌های قبل انتخابات و وجود فضای باز و شفاف رسانه‌ای، می‌تواند یکی از مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی جهت کاهش اثرات مخرب چرخه‌های سیاسی تجاری و کاهش کسری بودجه و مدیریت نقدینگی در اقتصاد کشور باشد. به عبارت دیگر، مبتنی

بر تئوری انتخاب عمومی، افزایش شفافیت و آزادی رسانه‌ها در زمان انتخابات، باعث افزایش اطلاعات جامعه از کاندیداها و برنامه‌های آنها می‌شود که هزینه کسب اطلاعات را کاهش داده و علاوه بر کاهش بی‌اعتنایی عقلایی رای‌دهندگان با فهم بهتر اثرات سیاست‌های سیاستمداران، کاهش سوءاستفاده سیاستمداران از ابزار اقتصادی نزدیک انتخابات مطلع شده و در نهایت به توقف چرخه‌های تجاری سیاسی رای‌دهند. در واقع چاره کار مدیریت و کنترل چرخه‌های تجاری سیاسی در ایران، بهبود ساختار نهادی جامعه و بودجه و افزایش شاخص حکمرانی خوب است.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Behrouz Sadeghi



<https://orcid.org/0000-0002-9992-2114>

Amroabadi

Ehsan Kazemi



<https://orcid.org/0000-0002-5139-6194>

### منابع

- اقبال، علیرضا، جرجرزاده، علیرضا، غیبشاهی، عبدالخالق، عبدالهی، فرشته. (۱۳۹۶). برآورد سیکل‌های تجاری- سیاسی (مورد مطالعه کشور ایران طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۷). سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۵(۲)، ۱۲۹-۱۴۶.
- پورکاظمی محمد حسین، درویشی باقر، شهیکی تاش، محمدنبی. (۱۳۸۶). بررسی چرخه‌های سیاسی کسب و کار (مطالعه موردی کشور ایران). بررسی‌های اقتصادی، ۴(۴)، ۴۱-۲۵.
- پورکاظمی، محمد حسین، درویشی، باقر، شهیکی تاش، محمدنبی. (۱۳۸۶). سیکل‌های تجاری سیاسی (مطالعه‌ی موردی کشور ایران). اقتصاد مقداری، ۴(پ ۱۵)، ۲۹-۱۲.
- حاتمی، عباس. (۱۳۸۹). سیکل‌های تجاری سیاسی: استدلال‌هایی سیاسی برای بی‌ثباتی‌های اقتصادی. پژوهش سیاست‌نظری، ۷، ۱۷۴-۱۴۳.



رفیعی دارانی، هادی، شاهنوشی، ناصر. (۱۳۹۳). تاثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه انسانی با به کارگیری رگرسیون موزون جغرافیایی. *پژوهش های اقتصادی ایران*، ۱۹(۵۸)، ۱۵۳-۱۸۱.

شاه آبادی، ابوالفضل، نظیری، محمد کاظم، نیلفروشان، نیما. (۱۳۹۱). تاثیر چرخه های انتخاباتی بر رشد هزینه های عمومی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته (۱۹۹۴-۲۰۱۰). *تحقیقات مدل سازی اقتصادی*، ۹، ۹۳-۱۱۵.

شاه آبادی ابوالفضل، نیلفروشان، نیما، خالقی، مریم. (۱۳۹۴). تاثیر چرخه های سیاسی بر نرخ رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. *برنامه ریزی و بودجه*، ۲۰ (۴)، ۳-۳۰.

شهبازی، عزیزاله، گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). سیکل تجاری-سیاسی: مورد مطالعه دولت های سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد. *رهیافت انقلاب اسلامی*؛ ۱۰(۳۵)، ۸۷-۱۱۲.

صادقی، عبدالرسول، طیبی، سید کمیل. (۱۳۹۷). اثرات تحریم های بین المللی و سایر عوامل تاثیر گذار بر نرخ تورم در ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۳). *پژوهش های اقتصادی ایران*، ۲۳ (۷۴)، ۵۷-۳۳.

طاهرپور، جواد، سالم، علی اصغر، همت، رضا. (۱۳۹۹). بررسی سیکل های سیاسی بودجه های عمرانی در اقتصاد ایران. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۷(۱)، ۱۹۰-۱۶۵.

گر جی، ابراهیم، اقبالی، علیرضا. (۱۳۹۲). *سیکل های تجاری، اصول و مبانی و روش های تخمین*. تهران: انتشارات سورنا.

مزینی، امیرحسین. (۱۳۸۵). بررسی پدیده چرخه های انتخاباتی در اقتصاد ایران (مطالعه موردی نرخ ارز). *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۰(۳۹)، ۲۳۶-۲۱۵.

مهرگان، نادر، عزتی، مرتضی. (۱۳۸۵). تاثیر متغیرهای اقتصادی بر مشارکت مردم در انتخابات ایران، *پژوهش های اقتصادی*، ۱(۶)، ۶۳-۵۱.

## References

- Alesina, A. (1987). Macroeconomic policy in a two-party system as a repeated game. *Quarterly Journal of Economics*, 102, 51-678.
- Baltagi, B. (2005). *Econometric analysis of panel data*. England, Wiley Publisher, Third Edition.
- Barberia, L. G., & Avelino, G. (2011). Do political budget cycles differ in Latin American democracies?. *Economía*, 11(2), 101-134.

- Barişik, S., & Baris, A. (2017). Impact of governance on budget deficit in developing countries. *Theoretical & Applied Economics*, 24(2), 111-130.
- Barro, R. J., & Lee, J. W. (1996). International measures of schooling years and schooling quality. *The American Economic Review*, 86(2), 218-223.
- Besley, T. (2006). *Principled agents? The political economy of good governance*. Princeton: Princeton University Press.
- Bostashvili, D., & Ujhelyi, G. (2019). Political budget cycles and the civil service: Evidence from highway spending in US states, *Journal of Public Economics*, 175, 17-28.
- Cao, X., Kostka, G., & Xu, X. (2019). Environmental political business cycles: the case of PM 2.5 air pollution in Chinese prefectures, *Environmental Science and Policy*, 93, 92-100.
- Castro, V., & Martins, R. (2018). Politically driven cycles in fiscal policy: In depth analysis of the functional components of government expenditures, *European Journal of Political Economy*, 55, 44-64.
- Cioffi, M., Messina, G., & Tommasino, P. (2012). Parties, institutions and political budget cycles at the municipal level. *Bank of Italy Temi di Discussione (Working Paper) No*, 885.
- De Haan, J., & Klomp, J. (2013). Conditional political budget cycles: a review of recent evidence. *Public Choice*, 157(3-4), 387-410.
- Doytch, N. (2021). Do FDI inflows to Eastern Europe and Central Asia respond to the business cycle? A sector level analysis. *The Journal of Economic Asymmetries*, 23, e00194.
- Drazen, A. (2000). *Political economy in macroeconomics*. Princeton University Press Princeton, NJ.
- Drazen, A. (2000). The political business cycle after 25 Years, *NBER Macroeconomics Annual*, 15, 117-75.
- Eghbali, A., Jarjarzadeh, A., Ghabishawi, A., & Abdollahi, F. (2017). Estimation of trade-political cycles (studied in Iran during 1978-95). *Economic Development Policy*, 5(2), 129-146. [In Persian]
- Fair, R. (1978). The Effect of Economic Events on Votes for President. *Review of Economics and Statistics*, 60:159-172.
- Farber, D. A. (2017). Public choice theory and legal institutions. *The Oxford Handbook of Law and Economics*, 1, 181-201.
- Frey, B.S. & Schneider, E. (1978). A politico-economics models of United Kingdom. *The Economic Journal*, 88(350), 243-253.
- Gootjes, B., de Haan, J., & Jong-A-Pin, R. (2020). Do fiscal rules constrain political budget cycles?. *Public Choice*, 188(1), 1-30.
- Gorgi, I. & Eghbali, A. (2013). *Business cycles, principles and principles of estimation*. Tehran. Sorena Publications. [In Persian]

- Hatami, Abbas. (2010). Political business cycles: political arguments for economic instability. *Bi-Quarterly Journal of Theoretical Policy Research*, 7, 174-143. [In Persian]
- Hibbs, D. (1977). Political parties and macroeconomic policy. *American Political Science Review*, 71, 1467-1487.
- Immergut, E. M. (1992). *Health Politics-interests and Institutions in Western Europe*. Cambridge University Press, Cambridge
- Kramer, G. (1971). Short-term fluctuations in U.S. voting behavior, 1896-1964. *American Political Science Review*, 65, 131-143.
- Lächler, U. (1978). The political business cycle: a complementary study. *The Review of Economic Studies*, 45(2), 369-375.
- Lachler, U. (1982). On political business cycle with endogenous election dates. *Journal of Public Economics*, 17(1), 117-11.
- Mandon, P., & Cazals, A. (2019). Political budget cycles: Manipulation by leaders versus manipulation by researchers? Evidence from a meta-regression analysis. *Journal of Economic Surveys*, 33(1), 274-308.
- Mazini, A.H. (2007). Investigating the phenomenon of electoral cycles in the Iranian economy (Case study of exchange rates). *Journal of Commerce*, 10(39), 215-236. [In Persian]
- Mbaku, J. M. (1997). *Institutions and reform in Africa: The public choice perspective*. Greenwood Publishing Group.
- McRae, D. (1977). A political model of the business cycle. *Journal of Political Economy*, 85, 239-263.
- Mehregan, N. & Ezzati, M. (2007). The impact of economic variables on people's participation in Iranian elections, *Quarterly Journal of Economic Research*, 6 (1), 63-51. [In Persian]
- Minford, P., & Peel, D. (1982). The political theory of the business cycle. *European Economic Review*, 17(2), 253-270.
- Nordhaus, W. (1975). The Political Business Cycle. *Review of Economic Studies*, 42:169-190.
- Nyakiamo, C. A. (2015). The effect of inflation rate on liquidity of manufacturing firms listed in Nairobi Securities Exchange, Doctoral dissertation, University of Nairobi.
- Potrafke, N. (2010). The growth of public health expenditures in OECD countries: do government ideology and electoral motives matter? *Journal of health economics*, 29(6), 797-810.
- Pourkazemi, M. H. Darwish, B. & Shahiki Tash, M.N. (2007). Political business cycles (case study of Iran). *Journal of Quantitative Economics*, 4 (4), 29-12. [In Persian]
- Rafie Darani, H. & Shahnoushi, N. (2014). The effect of government size and good governance on human development using balanced

- geographical regression. *Iranian Economic Research*, (58)19, 181-153. [In Persian]
- Ragot, X. (2005). The real effect of inflation in liquidity constrained models.
- Rogoff, K., & A. Sibert. (1988). Elections and macroeconomic policy cycles. *Review of Economic Studies*, 55, 1-16.
- Sadeghi, A. & Tayebi, S.K. (2018). The effects of international sanctions and other factors affecting the inflation rate in Iran (1360-1393). *Iranian Economic Research*, 23 (74), 57-33. [In Persian]
- Vortherms, A. (2019). Disaggregating China's local political budget cycles: "Righting" the U, *World Development* 114, 95-109.
- Schuknecht, L. (1996). *Political business cycle in developing countries*, Keklos, 49.
- Schultz, K. (1995). The politics of political business cycle, *British Journal of Political Science*, 25(1), 99-79.
- Shahabadi, A. Naziri, M. K. & Nilforoshan, N. (2012). The impact of electoral cycles on the public expenditure growth of selected developing and developed countries (1994-2010). *Economic Modelling Research Quarterly*, 9, 115-93. [In Persian]
- Shahabadi, A. Nilforoshan, N. & Maryam, Kh. (2015). The impact of political cycles on the unemployment growth rate of selected developed and developing countries. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 20 (4), 3-30. [In Persian]
- Shahbazi A. & Alireza, G. (2016). Business-political cycle: a case study of the governments of Seyyed Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad, *The Approach of Islamic Revolution*.10 (35), 87-112. [In Persian]
- Shi, M., & Svensson, J. (2006). Political budget cycles: do they differ across countries and why? *Journal of Public Economics*, 90, 1367-1389.
- Sidorkin, O., & Vorobyev, D. (2018). Political cycles and corruption in Russian regions, *European Journal of Political Economy*, 52, 55-74.
- Taherpour, J. Salem, A. & Hemmat, R. (2020). Investigating the political cycles of development budgets in the Iranian economy. *Study of Iranian Economic Issues*, (1)7, 190-165. [In Persian]
- Torkzade M. & khademi Moghadam A. (2009). Survey on relationship between political events and Tehran stock exchange performance, *The Review of Financial and Accounting Studies*, 14(2), 39-43.
- Tufte, E.R. (1975). Determinants of the outcomes of midterm congressional elections. *American Political Science Review*, 69, 812-826.

- Tufte, E.R. (1978). *Political Control of the Economy*, Princeton, NJ: Princeton University.
- Tullock, G. (1959). Some problems of majority voting. *Journal of Political Economy*, 67(6), 571-579.
- Winch, D.M. (1977). Political economy and the economic polity, *The Canadian Journal of Economics*, 10(4), 40-53.
- Zhou, G. (2019). Inflation, liquidity, and long-run growth. *Macroeconomic Dynamics*, 23(2), 888-906.

---

استناد به این مقاله: صادقی عمروآبادی، بهروز و کاظمی، احسان. (۱۴۰۱). تحلیل اثر حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه در ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۰)، ۱۶۷-۲۰۷.



Iranian Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.